

سیل الاقصی ، سیلی سرخ کودکان و رسوایی بازی کودکانه



سیل الاقصی، سیلی سرخ کودکان و رسوایی بازی کودکانه [1]

مهدی شمعدری

در همان روزهای آغازین عملیات «طوفان الاقصی» در حاشیه موج جهانی حمایت از غزه مظلوم و مقتدر، بویژه در میان مسلمانان، نداهایی متفاوت نیز شنیده می‌شد! یکبار از زبان عالمی در ظاهر اهل سنت می‌شنویم که: «حماس شرور و جنگ طلب است» و یکبار از زبان روحانی به ظاهر شیعه می‌شنویم: «حماس دشمن ما در نزاع سوریه بوده است!» گاه آن یکی می‌گوید: «حماس رافضی است» و گاه دیگری می‌گوید: «حماس ناصبی است»!

آن طرف می‌گوید: «خون مسلمین را هدر می‌دهد»، این طرف می‌گوید: «حماس با شیعیان غزه درگیر است!» آن یکی، حکم عدم جواز حمایت از حماس را صادر می‌کند! این یکی، شبهه می‌کند که «حماس، خیره‌سر است و ما را داخل در دسر انداخته است!» صدالبته که این دهان‌ها رسوا شدند و خیلی زود از فریاد به پچ

در سوی دیگر این صحنه، آنچه دیده می‌شود استفاده از فرصت یک مساله واقعی برای هم جیهگی امت است.

فلسطین این محور اساسی برای وحدت، زمینہ پیوند در مرز «طریبیل» عراق شد. عشایر و شیوخ عرب، از شیعه و سنی در مرز اردن، تجمع کردند؛ با هم شعار دادند، با هم نماز خواندند، باهم راه را بستند، هم سفره شدند و پیوندهای ملی و امتی خود را تحکیم کردند. یکبار سنی امامت می‌دهد و یکبار شیعه، یکبار شیعه مهمان سفره سنی می‌شود و یکبار سنی مهمان شیعه. یکبار سنی رجز می‌خواند و یکبار شیعه و هرکدام می‌خواهد جان‌ش را برای دیگری و برای فلسطین فدا کند!

«طوفان الاقصی» سیلی بزرگوارانه کودکان غزه بود تا ما مسلمانان از هیروت دعواهای کودکانه پا در میدان رزم بزرگان بگذاریم؛ تا دوباره به یادآوریم که «اسلام» ما منوط به یاری مظلومان است، منوط به دشمنی با مستکبرین است و وابسته به مقاومت در برابر شیاطین پیدا و پنهان است! البته از قدیم گفته‌اند: «آدم خواب را می‌شود بیدار کرد اما کسی که خود را به خواب زده، نه!».

باید آگاهانه خود را در این مسیر پیدا کنیم وگرنه همان می‌شود که آن واعظ غزاوی گفت: «به من گفتند که امت باید برای غزه نماز غایب بخواند، گفتم: غزه باید برای امت، نماز غایب بخواند!».

[1] «طوفان» در عربی به معنای «سیل» است و مفهوم طوفان در زبان فارسی، معادل «عاصفه» در زبان عربی می‌باشد، بنا براین معنای «طوفان الاقصی» می‌شود «سیل الاقصی».